



مِنش مطهرستان نَزو

## روش مطهر

### مطهری چکونه مطهری شد؟

تتیه و تنظیم: مریم قرانی زاوه  
راهنما: حجت الاسلام سیدعلی اصغر علوی

ویرایش دوم: اردیبهشت ۱۳۹۹ - زمستان ۱۴۰۱



دبیرخانه بینش مطهر استان یزد

### روش مطهر

عنوان:

"مطهری چگونه مطهری شد؟"

تهیه و تنظیم:

مریم قرائی زاده

راهنما:

حجت الاسلام سیدعلی اصغر علوی

ویرایش اول:

آبان ۱۳۹۸ / صفر ۱۴۴۱

ویرایش دوم:

اردیبهشت ۱۳۹۹ / رمضان ۱۴۴۱

فهرست مطالب

---

صفحه	عنوان
۴	در آغاز .....
۵	تعبّد و تهجّد .....
۱۳	اخلاص .....
۱۵	آگاه به زمان .....
۲۰	شاخصه های فکری .....
۲۳	قوام و دوام فکر .....
۲۶	احیاگری .....
۲۸	نبوغ در دشمن شناسی .....
۳۰	ضرورت و اولویت .....
۳۶	اساتید و رجال معنوی .....

روش مطهر

---

فهرست مطالب

---

صفحه	عنوان
۴۵.....	تاثیر خون و خون موثر.....
۴۸ .....	دریابان.....
۵۰ .....	کتاب نامه.....

آنچه به اینجا انجامید تا در عصر حاضر از درون حوزه و حجره و از کنار کتابها و کلاس ها و در میان درس ها و بحث ها و... قامتی قد برافرازد تا شمع شب های تحقیق و راهنمای روزهای تدریس و تحصیل شده و جریانی بر جاری خون بر کتابها بیافزاید ، مورد نظر و انگیزه ی این نوشتار است . یعنی " روش مطهر " یا رسیدن به " راه مطهری پرور " تا راهی رابرویم که او رفت ، اگر چه سخت و طاقت طلب، اما ممکن .

رفتار و روشی که توانست در عین اشراف بر اندیشه های فلسفی ، عرفانی و اجتماعی شرق و غرب به تعبدها، تهجدها و توسل ها ورود پیدا کرده ، با آن انس گیرد و روزهای پر آشوب ، هیاهو و دغدغه ی زمان حاضر را به آرامش سحری ، سحر خیزی ها و شب زنده داری ها پیوند زده و " فکر " رابا " ذکر " درهم آمیزد ، راز و نیازها در دل شب با خالق را دست مایه ی تلاش در رفع نابسامانی های فکری خلق خدا در روز قرارداد ، سحرگاهان بر ساحل دریای بی کرانه و موج معنویت بایستد و امواج خروشان آن را تماشا کند، جهان را این گونه ببیند و ببیند ! و آنگاه " جهان بینی " را ترسیم کند که این تماشا، نیز نوعی " جهانی شدن " است ، جهانی فراتر از این جهان.

خود را بکش ای بلبل از این رشک که گل را  
با باد صبا وقت سحر جلوه گری بود  
هر گنج سعادت که خدا داد به حافظ  
از یمن دعای شب و ورد سحری بود

## روش مطهر

اینک این راه اوست و این رفتار او، و این کسان که با او بوده، از او شنیده و او را اینگونه درک نموده اند، بنگرید:

### تعبّد و تهجّد

" امتیازات علامه مطهری فقط در بعد علمی نبود؛ بلکه علاوه بر این که خطیبی ممتاز، نویسنده‌ای برجسته و معلمی بزرگوار و از رهبران مبارزه با رژیم طاغوت بود، از لحاظ تقوا، عرفان و تزکیه نفس نیز کم نظیر بود و ساعت‌های طولانی در دل شب را به عبادت می‌پرداخت."<sup>۱</sup>

در همین خصوص می‌خوانیم:

"شب و سحر و سپیده دم (بین الطلوعین) از جمله مهمترین و مستعدترین اوقات کلی است:

ان المتقین جنات و عیون.. .. كانوا قلیلا من اللیل مایهجعون. و بالاسحار هم یتستغفرون.  
پرهیزپیشگان که - در آن جهان - در دل باغستانها و بر لب چشمه سارها جای خواهند داشت در این جهان شب‌ها اندکی می‌خفتند و سحرگاهان به آمرزش خواهی می‌کوشیدند.

---

<sup>۱</sup> مصباح یزدی - محمدتقی / در جمع گروهی از مربیان تربیتی سپاه پاسداران / به نقل از پایگاه مجازی <http://mesbahyazdi.ir>

## \_\_\_\_\_ روش مطهر

مطهری متهجد و مستغفر بالاسحار با این عالم جانانه آشنا بود و از آن بهره مند. ایمان در مرحله کمال خویش عشق است و محبت (الایمان هو هوالب) و همه چیز در گرو این عشق و محبت است و انسان باید همچون دیگر کاینات از این آتش مقدس که در جان همه چیز افتاده است (وان من شیء الا یسیح بحمده) شعله ای در جان خود بیفکند:

طفیل هستی عشقند آدمی و پری ارادتی بنما تا سعادت بیبری  
و باید تا کار جهان بر سر نیامده است (یوم نطوی السماء کطی السجل للکتب) عاشق  
شد و نقش مقصود از کارگاه هستی خواند:

عاشق شو، ار نه روزی کار جهان سرآید

ناخوانده نقش مقصود از کارگاه هستی

و چون کار ایمان به حب رسید (وعنان عقل در دست عشق افتاد) دل دریای راز می گردد و به رازگویی میل می کند. و رازگویی با مجرب، خلوت می طلبد و چه خلوتی بهتر از شب، دل شب:

نباشد ای پسر صاحبدلان را بجز دل در دل شبها قرینی

و چون دل عاشق گشت متبّه می گردد و چون متبّه و بیدار گردید آنچه را می طلبد و می خواهد در عالم تن و طبیعت نمی یابد و دیگر از پرفشانی در قفس طبیعت و پرواز در عالم کدورت طرفی نمی بندد.

## روش مطهر

این است که به [عالم جان] توجه می یابد و روی می آورد و برای رسیدن به

عالم جان ، خویشتن را آماده سفر کردن از [عالم تن] می سازد:

در حیات تن سفر کردن زتن می خواستم  
یک سراسر سیر عالم ، بی بدن می خواستم  
پرفشانی در قفس نتوان به کام خویش کرد  
نیست عالم جای پروازی که من می خواستم  
از هوسها بت پرست خود پرستی گشته ام  
عشق را در کعبه دل بت شکن می خواستم  
با وجود آنکه چیزی در نظر جز او نبود  
دیده نتوانست دید آن را که من می خواستم  
داشت روح امید آسایش ز [ملک تن] نجیب!  
ساده لوحی بین که در غربت وطن می خواستم

آری روح بیدار اندک اندک از عالم تن می گسلد و امید آسایش از ملک تن بر می  
گیرد و از وطن خواستن در [غربت] دست بر می دارد. دل بیدار نمی تواند عالم جان را  
نبیند و براین ناینمایی بشکبید. در یکی از سخنرانیها از او شنیدم که این دو بیت را - که  
حاکی از توجه به این مراحل است - می خواند:



## \_\_\_\_\_ روش مطهر

ترسم بروم عالم جان نادیده بیرون روم از جهان، جهان نادیده

در عالم جان چون روم از عالم تن در عالم تن عالم جان نادیده؟

و مرد، از سالها سال پیش، خویش را برای این سفر آماده کرده بود و با توشه‌ی تهجد و مرکب شب خیزی و راهبری فیض سحر، عمری در این راه گام کوید و به یقین به مقصودهایی رسید:

همین آثار فراوان و خدمات شایان او نشانه فوز و توفیق اوست و همچنین کامیابی او به سعادت شهادت<sup>۱</sup>.

شهید مطهری هم با قلم و هم با قدم در میدان تعبد و تهجد و مراقبت از نفس

حضور داشت و می گفت:

"ما یک سلسله کتابها داریم در زمینه محاسبه‌ی نفس. سید بن طاوس محاسبه‌ی نفس نوشته، کفعمی محاسبه‌ی نفس نوشته، و در اغلب کتب اخلاقی اسلامی - و شاید در همه کتب اخلاقی که خواسته اند استیفا کنند - این مسئله مراقبه‌ی نفس و محاسبه‌ی نفس را مطرح کرده اند."<sup>۲</sup>

نیز می گفت:

".. اولین برنامه‌ی قرآن تهذیب نفس و تزکیه‌ی نفس است؛ پاکیزه کردن

روان از بیماریها، عقده‌ها، تاریکی‌ها، ناراحتی‌ها، انحراف‌ها و بلکه از مسخ شدن

---

<sup>۱</sup> آفاق فکری برون حوزه ای /بخش سوم /مجله حوزه /<https://hawzah.net>

<sup>۲</sup> مجموعه آثار شهید مطهری . ج ۲۲، ص: ۹۲۶/به نقل از پایگاه مجازی

<http://morteza-motahari.com>

## روش مطهر

هاست... مسئله‌ی مسخ شدن خیلی مهم است. مسخ یعنی چه؟ شنیده‌اید که می‌گویند در میان امام سالفه مردمی بودند که در اثر اینکه مرتکب گناهان زیاد شدند، مورد نفرین پیغمبر زمان خود واقع و مسخ شدند؛ یعنی به یک حیوان تبدیل شدند، مثلاً به میمون، گرگ، خرس و یا حیوانات دیگر. این را «مسخ» می‌گویند. حال، این مسخ به چه صورت است؟ آیا «انسان‌ها مسخ شدند» یعنی واقعاً حیوان شدند؟ توضیحش را عرض می‌کنم: یک مطلب [مسلم است] و آن این است که انسان اگر فرضاً از نظر جسمی مسخ نشود (تبدیل به یک حیوان نشود) به طور یقین از نظر روحی و معنوی ممکن است مسخ شود، تبدیل به یک حیوان شود و بلکه تبدیل به نوعی حیوان شود که در عالم، حیوانی به آن بدی و کثافت وجود نداشته باشد...

شخصی می‌گوید: با امام زین العابدین علیه السلام در صحرای عرفات بودیم. از آن بالا که نگاه کردم، دیدم صحرا از حاجی موج می‌زند. به امام عرض کردم: ما أَكْثَرَ الْحَجَّاجِ ، الحمدلله چقدر امسال حاجی زیاد است! امام فرمود: ما أَكْثَرَ الضَّجِيجِ وَ أَقَلَّ الْحَجَّاجِ چقدر فریاد زیاد است و چقدر حاجی کم است! آن شخص می‌گوید: من نمی‌دانم امام چه کرد و چه بینشی به من داد و چه چشمی را در من بینا کرد که وقتی به من گفت:

حالا نگاه کن، دیدم صحرائی است پر از حیوان، یک باغ وحش کامل که یک عده انسان هم در لابلای این حیوانات حرکت می‌کنند. فرمود: حالا می‌بینی؟ باطن قضیه این است. از نظر اهل باطن و اهل معنی، این مسئله امری به واضحی این

## \_\_\_\_\_ روش مطهر

چراغهاست. حال اگر ذهن متجددمآب بعضی از ما نمی خواهد قبول کند، اشتباه می کنیم. در زمان خود ما افرادی بوده و هستند که می توانند حقیقت انسانها را درک کنند و ببینند" <sup>۱</sup>.

در تبیین مسیر سیر و سلوک او آمده است :

"... نکته ای که فراموش کردم به آن اشاره کنم ، مسئله سیر و سلوک مرحوم شهید مطهری و گرایش او به عرفان بود . این امر نیز طبعاً رابطه ی مستقیم با همان پیش و مکتب فلسفی او و استادانی داشت که نزد آنان فلسفه را خوانده بود . در همین زمینه هم مرحوم مطهری به کاوش و تحقیق مشغول بود و هر کجا اسمی از اهل سیر و سلوکی می شنید ، به سراغ او می رفت . برای همین منظور ، چند بار به من گفت که می خواهد برادر مرا ملاقات کند . سرانجام هم با اشتیاق فراوان به دیدار برادر بزرگم مرحوم آیت الله حاج سید احمد خسروشاهی شتافت که از شاگردان برجسته مرحوم آیت الله حائری و آیت الله خوانساری بود و در مدت اقامت خود در حوزه علمیه قم اهل سیر و سلوک بود . شهید مطهری از حضور در جلسه و حتی گفتگو در مسائل عرفانی لذت می برد و حالت جذبه و شوق به او دست می داد . این گرایش در

---

<sup>۱</sup> شهید مطهری/انسان کامل /ص ۳۰ و ۳۱ <http://morteza motahari.com>

## روش مطهر

اواخر عمرش اوج بیشتری گرفته بود و با اینکه در پنهان کردن آن تلاش می کرد ، رنگ رخساره خیر می داد از سر ضمیر...<sup>۱</sup>

نیز آمده است:

" مرحوم مطهری (رحمه الله) نمازش خیلی طول می کشید. توفیق پیدا کردم یک هفته ای در اتاقی خدمت شهید مطهری (رحمه الله) باشم. شاید یک ساعت و نیم نماز شب می خواند و لذت می برد. از «إِيَّاكَ نُعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» لذت می برد... می گفت: این دعا گرچه برای ماه رجب است ولی تو هر روز بخوان. دعا این است:

«خَابَ الْوَأَفِدُونَ عَلَى غَيْرِكَ» ، باخند آنهایی که خودشان را

به غیر خدا فروختند...<sup>۲</sup>

" علاقه استاد مطهری (رحمه الله) به اهل بیت (علیهم السلام) زبان زد خاص و عام بود. یکی از بزرگان حوزه می گوید:

به استاد مطهری (رحمه الله) عرض کردم که شما فوق العاده از علامه طباطبایی (رحمه الله) تجلیل می کنید و تعبیر روحی فداه را در مورد ایشان دارید این همه تجلیل به خاطر چیست؟

---

<sup>۱</sup> خسروشاهی - سیدهادی/ <http://morteza motahari.com> به نقل از پاره ای

از خورشید/نشر ذکر/سیناصری - حمیدرضا/ستوده - امیررضا/ص ۲۹۹-۳۰۱

<sup>۲</sup> قرآنتی - محسن/به نقل از پایگاه مجازی <http://mestar.miuac.ir/list/mestar>

## \_\_\_\_\_ روش مطهر

ایشان در جواب فرمودند: «من فیلسوف و استاد معارف بسیار دیده‌ام ولی احترام مخصوص من به ایشان، به این جهت است که او عاشق و دل‌باخته اهل بیت (علیهم‌السلام) بود. علامه طباطبایی (رحمه‌الله) در ماه رمضان روزه خود را با بوسه بر ضریح مقدس حضرت معصومه (سلام‌الله‌علیها) باز می‌کرد. ابتدا پیاده به حرم، مشرف می‌شدند و ضریح مقدس را می‌بوسید، سپس به خانه می‌رفت و غذا می‌خورد. این ویژگی علامه باعث شد که من به شدت شیفته‌ی ایشان شوم.»<sup>۱</sup>

فرزندان ایشان نقل می‌کنند:

"...یکی از مأموران نیروی انتظامی رژیم پهلوی که مسئولیت حفاظت از منزل یکی از مهره‌های رژیم طاغوت را داشت، شبی در صدد برمی‌آید که بداند چرا در ساعتی معین چراغ اتاق پدرم که مشرف بر کوچه است روشن می‌شود. از این رو دقیقاً اوضاع را زیر نظر می‌گیرد و پشت پنجره، صدای مناجات و عبادت ایشان را می‌شنود. چندین شب متوالی نیز این عمل را تکرار می‌کند و بی‌نهایت تحت تأثیر قرار می‌گیرد و در او تحول روحی بزرگی پدید می‌آید."<sup>۲</sup>

"در آن شبی که ایشان به شهادت رسیدند پس از آن که ما از محل ترور و بیمارستان با هزار حسرت و اندوه به منزل بازگشتیم، ساعت دو بعد از نیمه شب بود که زنگ ساعت

---

<sup>۱</sup> به نقل از پایگاه مجازی: [mestar.miuac.ir/list/mestar](http://mestar.miuac.ir/list/mestar)

<sup>۲</sup> مطهری - سعیده / فرزند شهید / به نقل از پایگاه مجازی [mestar.miuac.ir/list/mestar](http://mestar.miuac.ir/list/mestar)

## روش مطهر

ایشان به صدا درآمد ، معلوم شد که استاد برای اقامه ی نماز شب قبلا ساعت را کوک کرده بودند، حالت عجیبی به مادست داد که بیان آن به وصف نمی آید<sup>۱</sup>

## اخلاص

شهیدی از شهید این گونه می گوید:

"آنچه بیشتر ما را می سوزاند جنبه ی علمی مرحوم مطهری نبود، علم را می شود تحصیل کرد آن که بیشتر ما ناراحت کرده ، آن تقوی و معنویت ، عرفان و پاکی مرحوم آقای مطهر است .

مجمه تقوی و فضیلت بود و به حق جز برای خدا و اسلام به هیچ چیز نمی اندیشید، بارها در مسائلی که پیش می آمد بنده به ایشان عرض کردم که حالا فلان مطلب را ممکن است عنوان نکنید ، فعلا مصلحت نیست ، فعلا چنین و چنان است ، پاره ای از مسائل اجتماعی در نظر من بود، می فرمود این حرف ها نیست ، این را باید گفت ، عقیده است ، انحراف فکری بوجدمی آید و من نمی توانم در برابر انحراف عقیده و فکر که در بین جامعه اسلامی بوجدمی آید آرام باشم ...<sup>۲</sup>

هم اومی گوید :

---

<sup>۱</sup> مطهری - مجتبی / پاره ای از خورشید، ص ۱۲۶

<sup>۲</sup> شهید مفتاح ، (یادواره استاد مطهری / شفیع دارابی - سید حسین / ص ۱۸۷ / انتشارات مهر)

## روش مطهر

---

"سال گذشته در آن اوج مبارزات شهید مطهری رحمه الله به من می فرمود:  
به خدا اگر امام و رهبر ما پیروز بشود ، هیچ پستی من نمی خواهم. هیچ مقامی نمی -  
خواهم، برای من همین زندگی که الان دارم، کتابخانه ام برای من بهترین لذت است.  
من همین را می خواهم که بنشینم و کتاب بنویسیم، بنشینم و تحقیق کنم، بنشینم از  
اسلام عزیز دفاع کنم، این هدف من است. بنابراین، این کوشش و این تلاش، ارزش  
شخصی برای من نیست. دیدیم راست می گفت."<sup>۱</sup>

خالصانه کار کردن برنامه او بود:

"در آن روزگار چند جزوه تهیه شده بود که یکی از آن ها نوشته شهید  
استاد مطهری بود که بعدها که به زندان افتادیم این کتاب چاپ شد که در آن روزها  
بصورت تایپ شده بود و آن را به حوزه ها داده بودند که تدریس می کردند... یک  
مسئله که در ایشان بود و آن اینکه همیشه می خواستند که نامشان مخفی باشد و این بسیار  
عجیب بود به طوری که گاهی افراد کارهایی نکرده را به خودشان نسبت می دادند و این  
دلیلی بود بر خلوص نیت ایشان و دور بودن از ریا چرا که معتقد بودند که کاربایستی انجام  
شود حال به اسم هر کس می خواهد باشد مهم هدف ماست ، باید به آن هدف برسیم  
ایشان پرهیز می کردند از این که نامشان برده شود."<sup>۲</sup>

---

<sup>۱</sup> به نقل از پایگاه مجازی: [mestar.miuac.ir/list/mestar](http://mestar.miuac.ir/list/mestar)

<sup>۲</sup> انواری - محمد باقر محی الدین (همان ص ۲۱۰)

## آگاه به زمان

"شخصیت استثنایی، گستردگی فکری، درک زمانی، شناخت مسائل، توجه به واقعیات، حرکت در واقعیت عصر، بیداری در تعهد و جامعیت نمونه، همه و همه، مسائل و حقایقی است که از مطهری، انسانی ممتاز، دانایی گرانقدر، متعهدی کوشا، وراثتی صادق، خدمتگزاری موفق، مبلغی آبروبخش و مرزبانی توانمند می‌سازد و همواره غم از دست دادن او را سنگین می‌کند... کجا دیگر مردی چونان مطهری به هم می‌رسد، و در کجا؟ حوزه‌های دانشگاهی که جای خود دارد، حتی در حوزه‌های سنتی؟ مردانی همانند مطهری خود ساخته‌اند...

غیبت از زمان و حضور در زمان، دو مسأله عجیب و مهم است. برخی کسان، از زمانی که در آن زندگی می‌کنند غایبند و در آن حضور ندارند. و این گونه کسان، با کمال تأسف، بسیارند، بویژه در میان تحصیل‌کردگان حوزه‌ای و فقه و اصول خواندگان دوره‌ای. برخی به عکس اینند، یعنی در زمان خود حاضرند و با حضور زمانی آگاهانه‌ای که دارند، مایه رونق دین و رواج مذهب و قوام مکتبند. عالمان ما در گذشته این گونه بوده‌اند:

حاضر در زمان خویش و عصر خویش و نسل خویش، بزرگ‌ترین عالمان متعهد ما، همیشه، در ارتباطی عینی با زمان زندگی می‌کرده‌اند، نه در ارتباطی ذهنی و تقویمی. علامه حلی که از سویی فقیهی متبحر است، از سوی دیگر متکلم و عقاید شناسی زبردست است. در آثار این فقیه بزرگ، به کتابهای منطقی و فلسفی نیز بر می



## روش مطهر

خوریم که برای پاسخ‌گویی به مسائل فکری و اعتقادی آن روز جوانان و متفکران و روشنفکران نوشته شده است، زیرا این گونه عالمانِ مرزبان نمی‌توانسته‌اند از سایر مسائلی که در جامعه اسلام می‌گذرد، و همچنین مسائلی که در ارتباط با دیگر جوامع فکری و فرهنگی قرار دارد، غافل بمانند، یا خود را به غفلت بزنند و بار مسؤلیت را از دوش بر زمین نهند. چنین کاری برخلاف تکلیف و تعهد و شناخت و رسالت است. و هیچ‌گاه یک دانشمند آگاه اسلامی، به خلاف تعهد و تکلیف و شناخت و رسالت نمی‌گراید.

روحانیت اصیل و متعهد ما، در زمانهای گذشته، اغلب با فرهنگ زمان همگام بوده است و در فکر و شعور زمان خود، حتی فکر و شعور ادبی و هنری، حضور داشته است.

نمونه دیگر سید مرتضی علم‌الهدی است. این شخصیت چند بُعدی کم‌مانند را بنگرید که حتی از تشکیل محافل ادبی و انجمن نقد شعر و شعرشناسی نیز غفلت نمی‌کرده است.

مطهری نیز با شناختی که از تاریخ گذشته و علمای متعهد داشت، خود بدانان تأسی کرد، و سلف صالح را اسوه گرفت و امروز طلاب جوان باید این اسوه‌گیری را از مطهری فراگیرند.

جامعه، علاوه بر حرکت مادی، که تنظیم آن به عهده دولتها و حکومتهاست، حرکتی فکری و شعوری و جهان‌بینانه نیز دارد، حرکتی بر مبنای ایدئولوژی و طرز تفکر و

## روش مطهر

تصوّر. این حرکت، حرکتی است روحی و اعتقادی. و همین حرکت است که همواره با تحولات سروکار دارد. مرزبانان حوزه های اعتقادی و فرهنگی جامعه، باید برای پاسداری از این حوزه ها، نخست تحولات را به خوبی بشناسند و حرکتهای یاد شده را دریابند. اگر این تحولات را و این حرکتها را و زمان را که ظرف این تحولات و حرکات است، نشناسند، در دریای پیچیده و پوشیده مسائل و قضایا غرق می گردند و نسلهایی را که دل به آنان بسته اند نیز مأیوس می سازند و غرق می کنند. و این جاست که امام صادق(ع) می فرماید:

### (العالمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَابِسُ.)

هرکس زمان خویش را بشناسد، مسائل غلط انداز (و افکار مرموز) نمی تواند او را مورد تهاجم قرار دهند (و مُشْتَبِه و منحرف کنند). در غیر این صورت، یعنی در صورتی که انسان، بویژه انسان عالم و روحانی و مبلّغ، زمان و عناصر زمان و فرهنگ زمان و زبان زمان و روح زمان و حرکت زمان را شناسد، همه گونه مورد تهاجم مسائل پوشش سازی شده و رویدادهای ناشناخته قرار خواهد گرفت و مواضع را از دست خواهد داد، و با نسلهای فاصله خواهد یافت.

زمان ظرف تحولات است. باید تحولات را بشناسیم تا بتوانیم به مرزبانی برخیزیم و تکلیف خویش را ادا کنیم.

این تحولات که از آن یاد کردیم، همواره در جامعه مسائلی پدید می آورد، بویژه در قلمرو فکر و اندیشه، دید و درک و تصوّر، اخلاق و رفتار و باور و اعتقاد.

## \_\_\_\_\_ روش مطهر

اکنون وظیفه‌ی مرزبانان فکر و اعتقاد این است که بر مرکب این تحولات سوار گردند، نه این که زیر گامهای تحولات خرد شوند. و سوار شدن بر مرکب تحولات به چیست؟ به بسته ذهنی است، واپس اندیشی، زمان شناسی و... یا به باز فکری، والا اندیشی، زمان شناسی و...

به سخن دیگر، تحولات، به نوعی، به مبارزه با وضع موجود بر می خیزند. اگر کسی بخواهد در این مبارزه پیروز گردد، باید مانند یک جنگ، دشمن، منطقه نفوذ دشمن، نقاط آسیب پذیر، نقاط قوت، نقاط تدارکاتی، کیفیت سنگرگیری، نوع اسلحه دشمن و همچنین کیفیت یاری رسانی بیگانگان به دشمن و مخالف، همه و همه را، به خوبی بشناسد. و چون طبیعت تحول، همراه با نوآوری و نوگستری است، باید شما نیز به اسلحه‌ی نو، فکرنو، شناخت نو، شعور نو، هنر نو، فرهنگ نو و زبان نو مسلح شوید، تا بتوانید مرزهای اصالت‌های اعتقادی و اخلاقی کهن را پاس دارید. در این جا تعلیمی عظیم و مقدس، از شیخ الطایفه، ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، رحمه الله علیه، نقل می‌کنم، تعلیمی از حدود ۹۵۰ سال پیش، که تا هم اکنون نیز مثل خورشید می درخشد. این تعلیم را که در کتاب (شیخ آقا بزرگ تهرانی) آورده‌ام، در این جا نیز می آورم، تا مایه بیداری باشد برای آنان که باید بیدار گردند:

(كَانَ شَيْوُخُنَا، رَحِمَهُمُ اللهُ، الْمُتَقَدِّمُونَ مِنْهُمْ وَالْمُتَأَخَّرُونَ... بَلَّغُوا النَّهْيَةَ الْقُصْوَى، فِي اسْتِقْصَاءِ مَا أُفْتِضَتْ أَرْمَتُهُمْ مِنَ الْأَدِلَّةِ وَالْكَلامِ عَلَى الْمُخَالِفِينَ، فَإِنَّهُ قَدْ تَجَلَّدَ مِنْ شُبُهَاتِ الْقَوْمِ مَايَحْتَاجُ مَعَهَا إِلَى تَرْتِيبَاتٍ أُخْرَى).

## روش مطهر

علمای بزرگ ما، خدای آنان را در رحمت بیکران خویش غرق سازد، چه آنان که در قدیم بوده اند و چه آنان که سپس آمده اند، همه درباره ی پیدا کردن دلیل های زمان پسند و آنچه طبیعت زمان اقتضا می کرده است، تا نهایت درجه ممکن کوشیده اند و پیش تاخته اند، و در برابر دیگران و مخالفان موضع آگاهانه داشته اند. چون همواره شبهه ها و مسائل تازه ای القا می شود که نیازمند بحث و استدلالهای دیگری (کلام جدید) است.

در این تعبیر شیخ الطایفه نیک بنگرید: (مَا أَقْتَضَتْ أَرْزَمْتَهُمْ)، که ملاک کار را زمان قرار داده است، نه فرار از زمان، طرد زمان، قهر با زمان، نشناختن زمان و پس پشت انداختن زمان... اگر بزرگان و پیشینیان ما همواره دلیلهای زمان پسند و طرحهای نوعرضه کرده اند و این کار را وظیفه می دانسته اند، ما نیز باید چنین کنیم، بویژه که زمان ما، در فاصله ای اندک، صدها برابر زمانهای گذشته نگشته و تحوّل پذیرفته است.

بنابر این اصل اجتماعی مسلم، کسانی که با نوآوری به نام: (حفظ حدود) و (مبارزه با انحراف) مخالفت می ورزند، از روش منطقی بزرگان پیشین دور گشته اند، و از اصل (جمود) جانبداری می کنند. و توجه ندارند که همان گونه که (انحراف) زیان آور است، (جمود) نیز زیان آور است. ما امروز با جمودهایی رو به رو هستیم که زیان آنها برای پویایی و زمان آشنایی بسیار سنگین است. آری، جامعه با تحولات خود، نیاز

## روش مطهر

به تبیین‌هایی تازه پیدا می‌کنند، و توجه به این نیاز و این تبیین‌ها، از اصول عمده مرزبان‌ی حقایق دینی است.

پیروزی در میدان وظایفی که یاد شده، از جمله، بستگی دارد به برنامه ریزی، تربیت و ساختن افراد. با کلی‌گویی انجام نمی‌پذیرد. نمی‌توان در داخل حوزه خود را محصور کرد و از واقعیات و مسائل جامعه بی‌خبر بود و از روستا و محرومیت و فقر و جهل و تبعیض و تکاثرگرایی دردی نداشت و دل به این خوش کرد که ما چه ایم و چه؟ نمی‌توان گفت، باید همه مسائل مطابق اسلام باشد و خود برنامه‌ای نداشت. باید یک برنامه اسلامی، برای مدیریت جامعه تنظیم گردد و آگاهان در این کار دخالت کنند نه بسته‌ذهنان!

## شاخصه‌های فکری

" مرحوم شهید مطهری (رحمه‌الله) یک فیلسوف بود. علمی را که استاد شهید تعقیب می‌کردند، بیشتر علم فلسفی بود. البته بعدها به کلام جدید هم رسیدند، یعنی با مسایل اسلامی به شیوه استقلالی کلام نو، برخورد می‌کردند. ولی چیزی که مشخصاً استاد شهید را در برمی‌گرفت، پرداختن به مسائل فلسفی بود. ایشان شاگرد

---

<sup>۱</sup> "آفاق فکری برون حوزه ای" - عنوان مقاله ای است به قلم، حکیمی - محمدرضا، که نخستین بار در سرمقاله اولین شماره از مجله حوزه ویژه حوزه‌های علوم دینی به چاپ رسیده است. و بخش‌هایی از آن در اینجا نقل شد. به نقل از پایگاه مجازی: [hawzah.net](http://hawzah.net)

## روش مطهری

امام امت (رحمه الله) و نیز شاگرد فلسفی مرحوم استاد علامه طباطبایی (رحمه الله) به شمار می- رفت. بنابر این مکتبی را که ایشان در فلسفه اسلامی بدان معتقد بودند؛ حکمت متعالیه یعنی ملاصدرا است. در این رشته ایشان درس خوانده بودند و دارای فضل و سواد کافی بودند و بعدها هم در تهران در این رشته تدریس می کردند. اساساً پایه تفکرات و آهنگ اصلی برخوردهای ایشان با مسایل فکری، از این فلسفه سرچشمه می گیرد. در زمینه های فکری، یعنی برخورد با مسایل اعتقادی اسلامی، به شیوه جدید که در آن زمان به کلام جدید تعبیر کرده بودند رفتار می کردند. به طور خلاصه می توانیم بگوییم که شهید مطهری (رحمه الله) فیلسوف و متکلمی بود، که اندیشه اسلامی جدید را به میزان زیادی احیاء کرد و برای این کار کوشش فراوانی داشت، تا اسلام را از منابع اصلی آن دریافت کند و در این راه کوشش می کرد، که رگه های تفکر بیگانه به هیچ وجه در برداشت اسلامی ایشان آشکار نشود.

در زمینه مسائل فکری، آقای مطهری (رحمه الله) دارای خصوصیات بود:

آدمی قوی الفکر و متفکری حقیقی بود، مرحوم مطهری (رحمه الله) انصافاً یک عنصر پیشرو و طلایه دار بود. غیر از همه محسناتی که در ایشان بود، فکر عمیق، علم وافر قلم بسیار شیوا و رسا، و بقیه خصوصیات که در نحوه کار فکری ایشان وجود داشت به نظر من این خصوصیت خیلی مهم است که آقای مطهری (رحمه الله) پیشرو بود، وقتی ایشان شروع به این کار اساسی کرد، کمتر کسی به این فکرها بود، چرا، کار به اصطلاح اسلامی روشنفکری می شد و نوشته های فراوانی ارائه می گردید، اما غالباً در

## روش مطهر

سطوحی نبود که بتواند اهل فکر را قانع کند و در مستمع ایجاد تفکر کند. ایشان مرد بسیار عمیق و متفکر و اهل استدلال بود؛ بنابراین مطلب او قانع کننده بود. با این مایه، ایشان وارد میدان طرح مسائلی می شد که آن مسائل را دیگران واقعاً قادر نبودند، مطرح کنند. فرض بفرمایید وقتی ایشان در باب توحید وارد بحث میشد، در همان مقدمات و پاورقی‌های کتاب اصول فلسفه ی مرحوم آقای طباطبایی<sup>(رحمه‌الله)</sup> شبهات زیادی را مطرح می کند که بعضی‌ها از طرح آن شبهات ممکن است نتشان بلرزد. ایشان با شجاعت تمام این شبه‌ها را مطرح می کند و آنچنان آنها را پاک می کرد که اثری از شبهه باقی نمی ماند؛ این خیلی مهم است. مقاله ای که ایشان در سال ۴۶ یا ۴۷ در باب ختم نبوت نوشتند، شبهات مربوط به خاتمیت را صریح، روشن و قوی مطرح می کند. ممکن است کسانی از طرح این شبه‌ها نگران شوند و بگویند این شبه‌ها با ذهن مستمع چه خواهد کرد؛ لیکن آنچنان از عمق وارد می شود و چنان بنای شبهه را متلاشی می کند که انسان احساس می کند هر خواننده‌ای اگر اهل فکر باشد، قطعاً قانع و راضی از این جا بیرون خواهد آمد. ایشان اول بار، این کار را در ایران شروع کردند. البته مرحوم آقای طباطبایی<sup>(رحمه‌الله)</sup> در سطح دیگری این کار را کردند، منتها کار آقای طباطبایی<sup>(رحمه‌الله)</sup> از جنس باب خواص محض است؛ یعنی دیگران اصلاً نمی توانند استفاده کنند. چیزی که در دنیای روشنفکری آن روز، دنیای جوان‌ها، فکرهای جدید و واردات فکری جدید مطرح بود، فقط با کار آقای مطهری<sup>(رحمه‌الله)</sup> علاج می شد<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> آیت...خامنه ای / به نقل از <http://mestar.miuac.ir/>

## قوام ودوام فکر

"طبیعتِ خیلی از پدیده‌های عالم، نسخ است و هر چه می‌گذرد، این پدیده‌ها کهنه‌تر می‌شوند. اغلب پدیده‌های عالم همین طورند، بعضی از پدیده‌ها هم هستند که هر چه می‌گذرد نه فقط غبار نمی‌گیرند، بلکه درخشان‌تر، پرنمودتر، چشمگیرتر و اثرگذارتر می‌شوند. پدیده‌هایی که تکیه بر حقیقت دارند، معمولاً این گونه‌اند. کتاب خدا مظهر کامل این خصوصیت است که هر چه می‌گذرد، روشن‌تر می‌شود. کلام ائمه (علیهم‌السلام)، کلام پیغمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و بسا مفاهیمی که از آن بزرگواران نقل شده، در دوره‌های اول، حتی درست فهمیده نشده است و بعدها قدر اینها را شناخته‌اند. من به روشنی احساس می‌کنم که بحمدالله افکار مرحوم آیت الله شهید مطهری (رحمه‌الله) هم از این قبیل است، یعنی روزی که این کلمات در بین جماعتی گفته می‌شد، وقع و ارزشی داشت؛ اما حتی آن جماعت معدود که در مقابل جمعیت بزرگ ایران، زیاد نبودند هم، عمق و اهمیت این مباحث را آنچنان درک نمی‌کردند که در دوره‌های بعد درک کردند و امروز درک می‌کنند. برای مثال، ایشان درباره علل گرایش به مادیگری، در باب معنای قضا و قدر و خیلی از مفاهیم کلام جدید اسلامی، مباحثی را مطرح کردند، که امروز وقتی ما به فضای پیرامونی خودمان در جامعه نگاه می‌کنیم، می‌بینیم پاسخ پرسش‌هایی است که به‌روز مطرح می‌شوند. شاید بعضی از این سؤالات، آن روز که ایشان مطرح می‌کردند، آنچنان رایج و شایع



## روش مطهر

نمود، اما ایشان با فکر عمیق و نگاه تیزبین و آینده‌نگر خود، این استفهام‌ها را دریافت و پاسخ اینها را به نحو وافی داد. اگر این نکته دوم یعنی وافی بودن پاسخ‌ها نمی‌بود، طرح پرسش‌ها و بیان پاسخ‌ها، ای بسا به ضرر تمام می‌شد.

گاهی بعضی افراد سؤالی را مطرح می‌کنند و پاسخ نارسایی به آن می‌دهند، که به آن حقیقت ضربه می‌زند؛ اما این متفکر عمیق، به هر مسأله‌ای که پرداخته، تا خوب بیانش نکرده، از آن عبور نکرده است. البته مسائلی هم هست که در آثار چاپ شده ایشان نیست، اما شاید در آینده که چاپ می‌شود بینیم که آنها هم بیان شده است. نکته‌ای که من همیشه در مورد آقای مطهری<sup>(رحمه‌الله)</sup> تکرار کرده‌ام، بدیع‌گویی، نوآوری و سخن و فکر تازه عرضه کردن ایشان است. در واقع حق آثار ایشان این است که روز به روز، ماندگارتر و روشن‌تر شود. هر چه از عمر انقلاب گذشته و ما از آغاز انقلاب فاصله گرفته‌ایم، این جریان گسترش پیدا کرده است. شما وقتی سنگی را در آب می‌اندازید، موجی ایجاد می‌کند و موج، رفته رفته وسیع می‌شود. اما با وسیع شدن دایره‌ی موج، حلقه‌های پدید آمده، کمرنگ می‌گردد و به جایی می‌رسد که دیگر از موج خبری نیست. بعضی از قضایا، شخصیت‌ها و افکار هم چنین حالتی دارند. در ابتدا، های و هوئی راه می‌اندازند، بعد بتدریج دایره‌ی وسیع‌تری پیدا می‌کنند. اما متعاقب آن کمرنگ و کمرنگ‌تر می‌شوند تا این که محو می‌گردند. در مقابل، امواج دیگری هستند که از لحظه اول حالا هر طور که شروع شدند، چه با سر و صدا و چه بی سر و صدا روز به روز گسترش بیشتری پیدا می‌کنند. مثال‌های چنین امواجی، ماجرای امام

## روش مطهر

حسین (علیه السلام) است. هر چه زمان از شروع موجی که آن حضرت ایجاد کرد گذشته، حلقه‌های موج، بزرگ‌تر و برجسته‌تر شده و به کوهی از امواج تبدیل گشته است. آن موج، ابتدا در یک دایره محدود، در یک صحرا ایجاد شد. دشمنان هم خیال کردند دیگر آب از آب تکان نخواهد خورد، چون همه چیز از بین رفته است. لکن هر چه زمان گذشت، آن موج وسیع‌تر و برجسته‌تر شد. قضیه فکر شهید مطهری (رحمه الله) هم خوشبختانه چنین است.

در زمان حیات شهید مطهری (رحمه الله) فکریایی پر زرق و برق‌تر از فکر ایشان مطرح می‌شد، فکریایی که خیلی جاذبه داشت، ای بسا بعضی از آن فکرها واقعا هم خوب بود، یعنی نمی‌شود گفت همه‌اش فکرای نادرست بود. بعضی از آنها درست و بعضی هم نادرست بود، آن هم با تأثیر آنی زیاد. آن فکرها اگر چه دایره وسیعی هم داشت، اما فکر ماندگار نبود، فکری برای یک برهه بود که خلأ یک زمان را پر می‌کرد. چنین نبود که آن فکرها مثل یک جریان، باقی بماند. اما فکر شهید مطهری (رحمه الله) مثل یک جریان ماند و روز به روز توسعه پیدا کرد<sup>۱</sup>

باری، قوام فکری او از موجبات دوام انقلاب شد:

"هرچند خزانه خداوند خالی نیست، ولی طبق حساب‌های ظاهری اگر علامه مطهری نبود، ما امروز انقلاب اسلامی را نداشتیم و این انقلاب در میان افکار التقاتلی گم شده بود... امام خمینی (ره) نهال انقلاب را کاشت؛ اما چه کسی جز شهید

## روش مطهر

---

مطهری می‌توانست این درخت را بارور کند و به حدی یرساند که میوه‌هایش در همه جا قابل استفاده باشد....<sup>۱</sup>

## احیاءگری

"عمر او یکسره در احیای اندیشه اسلامی سپری شد و سرانجام جان خود را نیز بر سر آن نثار کرد، آثار و افکارش همگی حکایت از همین اندیشه‌ی شعله‌ور در ضمیر و سینه او دارد. شهید مطهری (رحمه‌الله) در این روزگار، خَلف کسانی چون امام محمد غزالی، سید جمال الدین اسدآبادی و اقبال لاهوری بود. همه‌ی این بزرگان با تلقی و استنباطی که از اسلام و از اندیشه و روح مذهبی داشتند، دردمندان و سوخته‌دل بر سر قرار دادن نظامی بودند که همه اسلام و ارکان منبع و رفیع آن را در برگیرد و هر چه را بیگانه و ناآشنا و دشمن کیش است بیرون کند و از هر چه زشتی و نابسامانی و کژواری است پیراسته ماند.

اهل بحث و تدبر بود، تیزهوش و مسأله‌یاب بود و از همان ابتدا که به کار ارشاد و تبلیغ پرداخت، به فکر احیای دین بود. احاطه‌اش بر مبانی فقهی و فلسفی

---

<sup>۱</sup> مصباح یزدی - محمدتقی / در جمع گروهی از مربیان تربیتی سپاه پاسداران .

## روش مطهر

شریعت، او را از شتاب‌زدگی و دل‌بستگی‌های سست و فریب خوردن‌های زودباورانه مصون می‌داشت.<sup>۱</sup>

"دین و دین‌داری موجب حیات انسان و جامعه می‌شود. اما همین دین حیات‌آفرین ممکن است بر اثر تحریف و سوء تعبیر آدمیان، محتوا و مفهوم اصیل خود را از دست بدهد. این وظیفه‌احیاگران دینی است که به مبارزه با آن تحریف‌ها پردازند تا یک جامعه دینی و مردمی که در آن زندگی می‌کنند، هر چه بیشتر و بهتر بتوانند از این سرچشمه حیات‌بخش بهره‌مند شوند. جریان‌های احیاگرانه همیشه مسیر واحدی را طی نکرده‌اند، بلکه جلوه‌های متنوعی همچون احیاگری سیاسی، اجتماعی و مانند آن داشته‌اند. در همین زمینه، موفق‌ترین احیاگران کسانی بوده‌اند که نگاهی جامع به دین داشته‌اند و در عین برخورداری از چنین نگاهی، بر آن بوده‌اند تا چهره‌ای مطلوب و جذّاب و قابل قبول از دین ارائه و سازگاری آن را با مسائل و پدیده‌های نوظهور نشان دهند. شهید مطهری از جمله احیاگرانی بود که چنین نگاهی به دین داشت. با عقلانیتی ژرف، وارد عرصه احیاگری شد و به مبارزه با آفت‌های تفکر دینی پرداخت. ایشان نه تنها از احساسی دینی برخوردار بود و به پیرایش عقاید مذهبی مسلمانان می‌اندیشید، بلکه در صدد احیا و اصلاح جهان‌بینی آنان و بازسازی تفکر دینی در ابعاد گوناگون بود تا بدین وسیله، اثبات کند اسلام در پاسخ‌گویی به معضلات بشریت و اداره امور جامعه

<sup>۱</sup> به نقل از پایگاه مجازی: <http://mestar.miuac.ir/list/mestar>

## \_\_\_\_\_ روش مطهر

و هدایت انسان‌ها و جوامع تواناست. مبارزه با التقاط و تحجّر و جمود و جهالت از شاخصه‌های بارز استاد مطهری در این حیطه است...

احیای دین در نگاه استاد مطهری از ایجاد دین در جوامع لائیک و غیر دینی

ضروری تر می‌نمود. ایشان معتقد بود:

آنجا که احتیاج به احیای فکر دینی هست، کشورهای اسلامی است، که فکر دینی در آنجا به صورت نیمه زنده و نیمه مرده درآمده است. و تا هنگامی که دین‌داران از یک تفکر زنده دینی برخوردار نباشند، نمی‌توانند الگوی آن‌هایی باشند که رو به سوی دین دارند و می‌خواهند دین اسلام را انتخاب کنند.<sup>۱</sup>

## نبوغ در دشمن شناسی

می‌گفت: "گاهی انسان می‌بیند، نوشته‌هایی زیرپوشش اسلامی منتشر می‌شود، من در مقدمه چاپ هشتم کتاب علل گرایش به مادیگری، این مطلب را نوشتم برخی جزوه‌های تفسیر قرآن به دستم رسید و واقعاً هنوز هم من نمی‌دانم اینها مسلمانند و اغفال شده‌اند یا تعمد به خرج می‌دهند. احتمال می‌دهم از همان افرادی هستند که مرعوب و مجذوب مسائل مارکسیستی هستند."<sup>۲</sup>

ومی‌گفت:

---

<sup>۱</sup> جوانی - حجت‌الاسلام/جمشیدی - طاهره/مجله شیعه شناسی ش ۴۸ زمستان ۹۳

<sup>۲</sup> آزادی انسان /مرتضی مطهری، ص ۵۶/نشر، تهران، بینش مطهر

## روش مطهر

"از نظر اسلام راه، راه خداست و بس، و مقصد خداست نه چیز دیگر، اما راه خدا از میان خلق می‌گذرد. کار برای خود کردن نفس پرستی است، کار برای خلق کردن بت پرستی است، کار برای خدا و برای خلق کردن شرک و دوگانه پرستی است<sup>۱</sup>، کار خود و کار خلق برای خدا کردن توحید و خداپرستی است."<sup>۲</sup>

"با مولوی و حافظ آشنا بود. اشعار آنان را به خاطر داشت و از آنها بهره می‌جست. حافظ را بسیار دوست می‌داشت و از این که جمعی از آلوده‌جانان بی‌خدا، کناس‌وار او را هم می‌خواستند به لوٹ جامه خود بیالایند، در رنج بود و به دفاع از حریم قدسی عرفان حافظ می‌کوشید.

از جمود و جهالت بسیار می‌رنجید و [می‌گفت]:

"دو بیماری خطرناک همواره آدمی را در این زمینه تهدید می‌کند، بیماری جمود و بیماری جهالت.

نتیجه بیماری اول توقف و سکون و بازماندن از پیشروی و توسعه است و نتیجه بیماری دوم سقوط و انحراف است. جامد! از هر چه نو است متنفر است و جز با کهنه خو نمی‌گیرد و جاهل! هر پدیده نوظهوری را به نام مقتضیات زمان، به نام تجدد و ترقی موجه می‌شمارد ... جامد میان هسته و پوسته و وسیله و هدف فرقی نمی‌گذارد. از نظر او (جامد) دین مأمور حفظ آثار باستانی است ... جاهل بر عکس، چشم دوخته

<sup>۱</sup> اشاره است به عبارت "به نام خدا و به نام خلق قهرمان ایران"

<sup>۲</sup> مطهری، مرتضی / جهان بینی توحیدی جلد یک ص ۸۳ / <http://lib.eshia.ir/>

## \_\_\_\_\_ روش مطهر

ببیند در دنیای مغرب چه مد تازه و چه عادت نویی پیدا شده که فوراً تقلید کند" (نظام حقوق زن در اسلام)

شهید مطهری بسیار هوشیار بود که در دام ابزارانگاران نیفتد. می دانست که مذهب و خدا را ابزاری برای مبارزه، رفاه، کمال انسانی و ... برنگیرد. هدف را به عنوان یک وسیله تنزل ندهد و حقانیت را با توانایی، که عین فتوا دادن به قتل مکتب است، معادل نیاورد.

" برای تهی کردن یک آیین، راهی ظریف تو و تزویر آمیز تو این نیست که گوهر آن را برگیری و آداب آن را نگه داری. قبله را عوض کنی اما عبادات را از واجبات و مستحبات همچنان به قرار سابق به جای آوری. کم نبودند کسانی که خدا را در پای انسان فدا کردند و به نام خدا پرستی، یک انسان پرستی تام و تمام را عرضه کرده اند" (انسان و ایمان)<sup>۱</sup>

## ضرورت و اولویت

دیگر شاخصه ی ارزشمند و قابل تأمل استاد، آگاهی عمیق و دقیق از کاستی ها و نیازمندیهای جامعه ی اسلامی و فراتر از آن، شناخت صحیح اولویت در پرداختن و مرتفع ساختن آنها بود. آنچنانکه خود در مقدمه ی جلد اول "داستان

---

<sup>۱</sup> به نقل از پایگاه مجازی: [mestar.miuac.ir](http://mestar.miuac.ir)

## روش مطهر

راستان" می آورد: "...از ذکر این نکته نیز نمی توانم صرف نظر کنم که در مدتی که مشغول نگارش یا چاپ این داستان ها بودم، بعضی از دوستانم ضمن تحسین و اعتراف به سودمندی این کتاب، از اینکه من، کارهای به عقیده ی آنها مهم تر و لازم تر خود را موقتاً کنار گذاشته و به این کار پرداخته ام، اظهار تأسّف می کردند و ملامتم می نمودند که چرا چندین تألیف علمی مهم را در رشته های مختلف به یک سو گذاشته ام و به این چنین کارهای ساده پرداخته ام، حتی بعضی پیشنهاد کردند که حالا که زحمت این کار را کشیده ای پس لااقل به نام خودت منتشر نکن! من گفتم چرا؟ مگر چه عیبی دارد؟ گفتند اثری که به نام تو منتشر می شود، لااقل باید در ردیف همان "اصول فلسفه..." باشد، این کار برای تو کوچک است. گفتم مقیاس کوچکی و بزرگی چیست؟ معلوم شد مقیاس بزرگی و کوچکی کار در نظر این آقایان مشکلی و سادگی آن است، و کاری به اهمّیت و بزرگی و کوچکی نتیجه ی کار ندارند، هر کاری که مشکل است بزرگ است و هر کاری که ساده است کوچک؛

اگر این منطوق و این طرز تفکر مربوط به یک نفر یا چند نفر می بود، من در این جا از آن نام نمی بردم، متأسفانه این طرز تفکر - که جز یک بیماری اجتماعی و یک انحراف بزرگ از تعلیمات عالی اسلامی چیز دیگری نیست - در اجتماع ما زیاد شیوع پیدا کرده، چه زبانها را که این منطق نبسته و چه قلمها را که نشکسته و به گوشه ای نیفکنده است؟! به همین دلیل است که ما امروز از لحاظ کتب مفید و مخصوصاً کتب دینی و مذهبی سودمند، بیش از اندازه فقیریم، هر مدّعی فضلی حاضر است ده سال یا بیشتر



## \_\_\_\_\_ روش مطهر

صرف وقت کند و یک رطب و یابس را به هم بیافد و به عنوان یک اثر علمی کتابی تألیف کند و با کمال افتخار، نام خود را در پشت آن کتاب بنویسد، بدون آنکه یک ذره به حال اجتماع مفید فایده ای باشد.

اما از تألیف یک کتاب مفید، فقط به جرم اینکه ساده است و کسر شأن است، خودداری می کند. نتیجه همین است که آنچه بایسته و لازم است نوشته نمی شود و چیزهایی که زائد و بی مصرف است پشت سر یکدیگر چاپ و تألیف می گردد. چه خوب گفته خواجه نصیرالدین طوسی:

افسوس که آنچه برده ام باختنی است

بشناخته ها، تمام نشاختنی است

برداشته ام هر آنچه باید بگذاشت

بگذاشته ام هر آنچه برداشتنی است

عاقبه الامر در جواب آن آقایان گفتم: این پیشنهاد شما مرا متذکر یک بیماری اجتماعی کرده، و نه تنها از تصمیم خود صرف نظر نمی کنم، بلکه در مقدمه ی کتاب از این پیشنهاد شما به عنوان یک بیماری اجتماعی نام خواهم برد...<sup>۱</sup>

" هر کدام از آثارش {نیز} با شجاعت خاصی نگاشته شده بود: خدمات

متقابل اسلام و ایرانش، آبی بود بر آتشی که نظام منحوس پیشین برافروخته بود، تا

---

<sup>۱</sup> داستان راستان، مقدمه/ج ۱/مرتضی مطهری/نشر صدرا

## روش مطهر

یکجا ایرانیت و اسلامیت را با هم بسوزانند. شهید مطهری (رحمه‌الله) در این کتاب حد و مرز آئین و ملیت، ایرانی بودن و مسلمان بودن را باز نموده و نقاب فریب را از چهره کسانی برگرفته که تحت نام دفاع از نام ملیت، به محو و مسخ اسلام؛ که همان فرهنگ پرمایه این ملت که با خون و روح مردم این سرزمین درآمیخته است، پرداخته بودند<sup>1</sup>

"...خوب به خاطر دارم که با وجود مخالفت شدید بسیاری از دوستان خود و در مجله [زن روز] آن ایام که صفحات [بر سرچهار راه] آن زشت ترین و بی شرمانه ترین راهنمایی ها را به دختران و زنان ایران می کرد، مقالاتی می نوشت و معتقد بود که:

باید دلایل و مطالب ما در مجله خود آنها هم منتشر شود تا آنها بدانند که ما

چه می گوئیم.

باز به یادم دارم که در پاسخ به اعتراض من در همین زمینه که می گفتم:

مقالات شما باعث می شود پای [زن روز] به خانه های مسلمانان هم باز شود

و موجب فساد دختران جوان گردد؛ ایشان گفتند:

اگر خانواده های مسلمان با خواندن چند شماره [زن روز] فاسد و فاسد

بشوند و باید در تربیت کامل آنها کوشید. ولی باید توجه داشت که [زن روز] قبل از

نشر مقالات من در تیراژی بالای صد هزار منتشر می شد یعنی در صد هزار خانواده

---

<sup>1</sup> به نقل از پایگاه مجازی: [mestar.miuac.ir](http://mestar.miuac.ir)

## روش مطهر

ایرانی و اغلب مسلمان راه دارد و من با نوشتن مقالاتی در این مجله ، حرفهای خودمان را به میان صدهزار خانواده ای می برم که به مسجد یا حسینیه نمی آیند.<sup>۱</sup>

در همین رابطه برادرشان نقل می کند: " به شوخی گفتم ، داداش! کتاب نوشتی ، منبررفتی ، نمی دانم خدا به تو اجر می دهد یا نه ولی مطمئنم برای یک کارخدا به تو اجر می دهد و آن مقاله هایی است که درمجله زن روز نوشته ای ، چه طورجرات کردی در زن روز مقاله منتشرکنی؟گفت وظیفه بود خیلی فحش شنیدم...همین گروه فرقان قبلا به ایشان اعلام خطرکرده بود حتی به ایشان تلفن هم کرده بودند اما ایشان می گفت من وظیفه ام این است و حرفم را می زنم بگذارکشته شوم " <sup>۲</sup>

"در سال ۱۳۵۴ شمسی ممنوع المنبرشد درهمان ایام روزی استاد شهید مرا خواست وگفت :

همه چیزعلاج داردغیرازحوزه که باید فکری برای آن کرد ، فکرش راکرده ام وآن این است که برویم قم ، دست به یک نوع تحول درخودمان بزنیم تاموجب تغییرات تدریجی درروش تدریس وساختن طلاب مجهز به علوم اسلامی هماهنگ با نیاز عصر وزمان شود ،... می خواهم درقم راجع به اقتصاداسلامی شاگردانی تربیت کنم که امروز نیاز مبرمی به آن هاست زیرا مکتب های مادی وکمونیست جوان ها راگمراه کرده اند

---

<sup>۱</sup> خسروشاهی - سیدهادی /پاره ای ازخورشید، ص ۳۰۰-۳۰۱

<sup>۲</sup> مطهری - محمدتقی /برادرشهید/ پاره ای ازخورشید، ص ۹۲

## روش مطهر

وآن‌ها از منطق اسلام بی‌خبرند شمدرباره تاریخ اسلام و رجال و تراجم و شرح حال بزرگان مثل همین مفاخر اسلام که سالها درباره شان مطالعه کرده و مقله و کتاب‌ها نوشته‌اید - برای شاگردانی که گرد می‌آوریم، تدریس و فکر کنید، من هم درباره‌ی مکاتب فلسفی جدید و اقتصاد اسلامی که این روزها مسئله‌ی روز است و همه از آن صحبت می‌کنند کاری کنم.

از این راه می‌توانیم شاگردانی پرورش دهیم و آثاری به وجود آوریم که بتوانند در این رشته‌ها ماهر شوند و مقاله و کتاب بنویسند و تاثیر بگذارند یعنی آنچه را داریم به دیگران منتقل کنیم... هیچ کمکی به اسلام و نمایش عظمت و قدرت اسلام از این بهتر نیست که مجهز به اسلحه‌ی روز یعنی منطق علمی و بازسازی مبانی علمی شویم، چیزی که جایش خالی است...<sup>۱</sup>

بارهامی گفت:

"سی سال است که قلم می‌زنم و سخن می‌رانم اما هنوز یک سخنرانی یا یک مقاله آن‌طور که دلم می‌خواهد، صورت نگرفته است تمامی آن سخنرانی‌ها و مقاله‌ها و نوشته‌ها بر مبنای نیاز جامعه و وظیفه‌ی شرعی بوده است، کارهایی را که خودم می‌خواهم هنوز فرصت نیافته‌ام که انجام دهم..."<sup>۲</sup>

---

<sup>۱</sup> دوانی - علی / پاره‌ای از خورشید / ص ۳۲۲-۳۲۳

<sup>۲</sup> اسدی گرمارودی - محمد / پاره‌ای از خورشید / ص ۲۱۳

## روش مطهر

" در همان زمانی که استادان با سابقه دانشگاه به التماس در کلاس درسشان شرکت می کردند به حکم وظیفه به قم می رفتند و معمولاً برای رفتن به قم از وسیله شخصی استفاده نمی کردند، تأمیدان شوش می رفتند و جلواتوبوس ها بی راکه عازم قم بودند می گرفتند و به قم می رفتند و خود را سر ساعت به درس می رساندند بعضی وقت ها هم گله می کردند که بعضی از رانندگان رعایت شئون مذهبی و روحانی ایشان را نمی کنند و ایشان مجبورند تذکر بدهند و این مطلب برای ایشان بسیار دردناک بود"<sup>۱</sup>

## اساتید و رجال معنوی

"... رابطه استاد و شاگردی در حوزه ها رابطه ی بسیار عمیقی است یعنی استاد در حوزه نسبت به شاگرد هم مربی است هم پدر است، هم مهذب است و اساتیدی که در حوزه ها موثر هستند، در همه امور شاگرد، حالتی اینچنین دارند"<sup>۲</sup>

"بالاخره اگر شاگردی حرف های استاد را جذب کند و هدر ندهد، استاد طبیعتاً به او علاقه مند می شود. امام، آقای مطهری (رحمه الله) را هم از نظر بیشی قبول داشتند و هم او را متدین می دانستند. وقتی آقای مطهری می آمد، روحیه ی امام شکفته می شد."<sup>۳</sup>

---

<sup>۱</sup> حداد عادل - غلامعلی / پاره ای از خورشید/ص ۲۷۴

<sup>۲</sup> هاشمی شاهرودی - سید محمود

<sup>۳</sup> خمینی، سید احمد/ به نقل از پایگاه مجازی/ <http://mestar.miuac.ir/list/mestar>

## روش مطهر

شهید مطهری نیز "از نظر روحی و معنوی سخت تحت تاثیر امام بودند و بارها

می گفتند:

من نسبت به امام ، حالتی چون مولوی نسبت به شمس دارم تاثیر تعلم

در محضر ایشان زاید الوصف است.<sup>۱</sup>

شاگرد خوبی بود و خوب شاگردی کرد برای استادانش، هم علم را از آن ها آموخت ، هم عمل را.

"مرحوم مطهری رحمه الله هوش فوق العاده ای داشت و حرف از او ضایع نمی

شد. حرفی که می گفتم، می گرفت و به مغزش می رسید. هر چه می گفتم هدر نمی-

رفت و مطمئن بودم که هدر نمی رود. وقتی که ایشان در جلسه ی درس حاضر می-

شدند (این عبارت، عبارت خوبی نیست ولی مقصود را بیان می کند) بنده از شوق و

شعف، حالت رقص پیدا می کردم، به جهت اینکه می دانستم هر چه بگویم، هدر نمی-

رود و محفوظ است. به همین ترتیب خودش مبدأ تحصیل دیگران شد و شروع به

تألیف کتابها کرد و انصافاً هم کتابهایش خیلی عالی است."<sup>۲</sup>

و خود شهید از استادانش این گونه می گوید:

"پس از مهاجرت به قم ، گم شده خود را در شخصیتی دیگر یافتم. همواره

مرحوم آقا میرزا مهدی را بعلاوه برخی مزایای دیگر در این شخصیت می دیدم؛ فکر

<sup>۱</sup> همسر شهید مطهری / پاره ای از خورشید / ستوده - امیررضا / سیدناصری - حمیدرضا ، ص ۱۰۳

<sup>۲</sup> به نقل از پایگاه مجازی: [mestar.miuac.ir/list/mestar](http://mestar.miuac.ir/list/mestar)

## روش مطهر

می‌کردم که روح تشنه‌ام از سرچشمهٔ زلال این شخصیت سیراب خواهد شد. اگر چه در آغاز مهاجرت به قم هنوز از «مقدمات» فارغ نشده بودم و شایستگی ورود در «معقولات» را نداشتم، اما درس اخلاقی که به وسیلهٔ شخص محبوبم در هر پنجشنبه و جمعه گفته می‌شد و در حقیقت درس معارف و سیر و سلوک بود نه اخلاق به مفهوم خشک علمی، مرا سرمست می‌کرد. بدون هیچ اغراق و مبالغه‌ای این درس مرا آن‌چنان به وجد می‌آورد که تا دوشنبه و سه‌شنبه هفته بعد خودم را شدیداً تحت تأثیر آن می‌یافتم. **بخش مهمی از شخصیت فکری و روحی من در آن درس - و سپس در درس‌های دیگری که در طی دوازده سال از آن استاد الهی فرا گرفتم - انعقاد یافت و همواره خود را مدیون او دانسته و می‌دانم راستی** که او «روح قدسی الهی» بود... {نیز} در سال ۲۹ در محضر درس استاد، علامه کبیر آقای طباطبایی روحی فداه که چند سالی بود به قم آمده بودند و چندان شناخته نبودند، شرکت کردم و فلسفه بوعلی را از معظّم‌له آموختم و در یک حوزهٔ درس خصوصی که ایشان برای بررسی فلسفه‌ی مادی تشکیل داده بودند حضور یافتم. کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم - که در بیست سال اخیر نقش تعیین‌کننده‌ای در ارائهٔ بی‌پایگی فلسفه مادی برای ایرانیان داشته است - در آن مجمع پر برکت پایه‌گذاری شد.<sup>۱</sup>

و در ادامه معرفی اساتیدش می‌گوید:

---

<sup>۱</sup> پایگاه مجازی: <http://lib.eshia.ir/> به نقل از "علل گرایش به مادیگری"

## روش مطهر

" به خود جرأت می‌دهم و می‌گویم او - مرحوم آیت الله حاج میرزا علی آقا شیرازی رحمه الله علیه - به حقیقت یک «عالم ربّانی» بود، اما چنین جرّاتی را ندارم که بگویم من «متعلم علی سبیل النجاة» بودم. یادم هست که در برخورد با او همواره این بیت سعدی در ذهنم جان می‌گرفت:

عابد و زاهد و صوفی همه طفلان رهند      مرد اگر هست به جز «عالم ربّانی نیست»<sup>۱</sup>  
" او هم فقیه بود و هم حکیم و هم ادیب و هم طیب. فقه و فلسفه و ادبیات عربی و فارسی و طب قدیم را کاملاً می‌شناخت و در برخی متخصص درجه اول به شمار می‌رفت. قانون بوعلی را که اکنون مدرس ندارد او به خوبی تدریس می‌کرد و فضلا در حوزه درسش شرکت می‌کردند، اما هرگز نمی‌شد او را در بند یک تدریس ساخت. قید و بند به هر شکل با روح او ناسازگار بود."<sup>۲</sup>

اما دیگر شخصیتها و رجال معنوی نیز بودند که استاد شهید از درک محضرشان منتعم و از روش و منش شان متأثر بود. اولین آنها به استناد کلام خود استاد، پدر بزرگوارشان، آقا شیخ محمدحسین مطهری است، آنجا که نقل می‌کند:

"... ما یک سلسله لذت‌های معنوی داریم که معنویت ما را بالا می‌برد. برای کسی که اهل تهجد و نماز شب باشد، جزو صادقین و صابرین و مستغفرین بالاسحار باشد، نماز شب لذت و بهجت دارد.

<sup>۱</sup> پایگاه مجازی: <http://mobahesat.ir> / به نقل از سیری در نهج البلاغه - مقدمه

<sup>۲</sup> پایگاه مجازی: <http://lib.eshia.ir> / به نقل از مطهری، مرتضی / مجموعه آثار / ج ۱۶ ص ۳۴۸



## روش مطهر

...لهذا کسانی که چنین توفیقاتی داشته اند و ما چنین اشخاصی را دیده ایم، به لذتهای مادی ای که ما دل بسته ایم، هیچ اعتنا ندارند. چه مانعی دارد که من ذکر خیری از پدر بزرگواریم بکنم؟ از وقتی که یادم می آید-حداقل از چهل سال پیش-من می دیدم این مرد بزرگ و شریف هیچ وقت نمی گذاشت و نمی گذارد که وقت خوابش از سه ساعت از شب گذشته تاخیر بیفتد.

شام را سر شب می خورد و سه ساعت از شب گذشته می خوابد و حداقل دو ساعت به طلوع صبح مانده بیدار می شود و حداقل قرآنی که تلاوت می کند یک جزء است. وبا چه فراغت و آرامشی نماز شب می خواند.

حالا تقریباً صد سال از عمرش می گذرد و هیچ وقت من نمی بینم که یک خواب نا آرامی داشته باشد، و همان لذت معنوی است که این چنین نگاهش داشته. یک شب نیست که پدر و مادرش را دعا نکند. یک نامادری داشته که به او خیلی ارادتمند است و می گوید: "خیلی به من محبت کرده است." شبی نیست که او را دعا نکند. یک شب نیست که تمام خویشاوندان و ذی حقان و بستگان دور و نزدیکش را یاد نکند. اینها دل را زنده می کند. آدمی اگر بخواهد از چنین لذتی بهره مند شود، ناچار از لذتهای مادی تخفیف می دهد تا به آن لذت عمیق الهی معنوی برسد.<sup>۱</sup>

در نمونه ای دیگر می خوانیم:

<sup>۱</sup> پاره ای از خورشید/سیدناصری-حمیدرضا، ستوده-امیررضا/نشر ذکر/ص: ۲۱، به نقل از حق و

## روش مطهر

" مرحوم مطهری با حقیر سوابق دوستی و آشنایی دیرین داشت و ذکر مبارک حضرت آقا [سیدهاشم حداد]<sup>۱</sup> با وی کم و بیش - نه کاملاً - به میان آمده بود و اینکه که آقا از کربلا به تهران آمده‌اند، ایجاب می‌نمود که این دوست دیرینه نیز از محضرشان متمتع گردد. روی این اصل، بنده جناب مطهری را خبر کردم و ایشان در بنده منزل، احمدیه دولاب تشریف آوردند و در مجلس عمومی ملاقات انجام شد و سؤالاتی نیز از ناحیه مرحوم مطهری شد که ایشان پاسخ دادند. مرحوم مطهری شیفته ایشان شد و کآنه گمشده خود را اینجا یافت و سپس مرتبه دیگر آمد و باز ساعتی در این اتاق عمومی بیرونی با هم سخن و گفتگو داشتند.

---

<sup>۱</sup> **سیدهاشم موسوی حداد** (۱۳۱۸-۱۴۰۴ق)، عارف شیعی قرن چهاردهم و از شاگردان سید علی قاضی بود. او در کربلا و نجف به تحصیل علم پرداخت. از حداد، نوشته‌ای جز چند نامه باقی نمانده و نظریات و حالاتش در کتاب روح مجرد - نوشته شاگردش سید محمد حسین حسینی تهرانی - بیان شده است. حداد از راه نعلبندی گذران زندگی می‌کرد. او به اشعار فارسی شمس مغربی، حافظ و مولوی علاقه فراوان داشت ... سید عبدالحسین دستغیب، شیخ محمد صالح کمیلی، سید عبدالکریم رضوی کشمیری، سید مصطفی خمینی، مرتضی مطهری و سید احمد فهری زنجانی از شاگردان او بودند اما مشهورترین و مهم‌ترین شاگردش، سید محمدحسین حسینی تهرانی بود که ۲۸ سال با وی مراوده داشت / به نقل از پایگاه مجازی: ویکی شیعه / <http://fa.wikishia.net>

## روش مطهر

آنگاه صدیق ارجمند، مرحوم مطهری به بنده گفت: آیا ممکن است حضرت آقا به من یک ساعتی وقت بدهند تا در خلوت و تنها با ایشان ملاقات داشته باشم؟ عرض کردم: اشکال ندارد، ایشان وقت می دهند و مکان خلوت هم داریم. به حضرت آقا عرض کردم، فرمودند: مانعی ندارد؛ بیاید و هر سؤالی که دلش می خواهد، بکند. در بالای بام منزل اتاق کوچکی برای اثاثیه و لوازم بام معمولاً بنا می کنند؛ حقیر مکان خلوت را آن اتاق قرار داده و ساعتی را آقا معین فرمودند برای فردا که بیاید و ملاقات خصوصی داشته باشیم.

در موعد مقرر، مرحوم شهید مطهری آمدند و ما با حضرت آقا آنها را به بام بردیم و برای آنکه احیاناً کسی به بام نرود، حتی از اطفال و افراد بی خبر از رفقا و دوستان، در وقت پایین آمدن، در بام را از پشت قفل نمودم.

در اینجا مرحوم مطهری آنچه می خواهد، از سؤال های انباشته و کهنه و جواب داده نشده از ایشان می پرسد. چون ساعت به سر رسید و آقا پایین آمدند و مرحوم مطهری پشت سرشان بود، من دیدم مطهری به قدری شاد و شاداب است که آثار مسرت از وجناتش پیداست.

آنچه میان ایشان و حضرت آقا به میان رفته بود، من نه از حضرت آقا پرسیدم و نه از آقای مطهری، و تا این ساعت هم نمی دانم. ولی مرحوم مطهری هنگام خروج، آهسته به حقیر گفتند: این سید حیات بخش است.

## روش مطهر

ناگفته نماند که روزی مرحوم مطهری به حقیر گفتند: من و آقا سیدمحمد حسینی بهشتی در قم در ورطهٔ هلاکت بودیم، برخورد و دستگیری علامه طباطبایی ما را از این ورطه نجات داد.

مرحوم مطهری باز پس از مراجعت حضرت آقا از مشهد مقدس، ساعتی دیگر ملاقات خصوصی و خلوت خواستند که آن هم به همین نحوه و کیفیت برگزار شد. باز هم حقیر از رد و بدل‌های آنان اطلاعی ندارم، ولی همین قدر می‌دانم که در این جلسه مرحوم مطهری از حضرت ایشان دستورالعمل خواسته بود و ایشان هم دستوراتی به او داده بودند.

مرحوم مطهری از بنده عکس و تصویر آقای حداد را خواست تا در اتاقش بگذارد و نصب کند. من به او گفتم: تصویر ایشان را به شما می‌دهم ولی نزد خود نگه دارید و در اتاق نصب نکنید و به جای آن تصویر مرحوم قاضی را نصب نمایید؛ چرا که آقا حاج سیدهاشم مرد ناشناخته‌ای است و شما مرد سرشناس، و رفت و آمد با همهٔ طبقات دارید؛ چنانچه تصویر ایشان را ببینند، برای آنها مورد سؤال واقع می‌شود که این مرد کیست و به چه علت در اینجا آمده است؟ در آن وقت هم برای شما ضرر دارد و هم ایشان نمی‌پسندند که نامشان مشهور گردد. اما تصویر مرحوم قاضی چنین نیست. حقیر که یک روز منزل آن مرحوم رفته بودم، دیدم سه عکس در اتاق خود نصب کرده‌اند: تصویر مرحوم پدرشان آقا شیخ محمدحسین مطهری و تصویر مرحوم حاج

## \_\_\_\_\_ روش مطهر

شیخ میرزا علی آقا شیرازی و تصویر مرحوم آیت‌الله حاج میرزا سیدعلی آقا قاضی طباطبایی (قدس الله اسرارهم و اعلی الله درجاتهم و مقامهم جميعاً).

در سفری هم که مرحوم مطهری به اعتاب عالیات مشرف شدند، نشانی منزل آقا حاج سیدهاشم را بنده به ایشان دادم و در کربلا دو بار به محضرشان مشرف شده‌اند، یک بار ساعتی خدمتشان می‌رسند و بار دوم روز دیگر صبحانه را در آنجا صرف می‌نمایند.

مرحوم مطهری در مراجعت از این ملاقات‌ها بسیار مشعوف بودند و می‌فرمودند: در یک بار که خدمتشان بودم، از من پرسیدند: نماز را چگونه می‌خوانی؟ عرض کردم: کاملاً توجه به معانی کلمات و جملات آن دارم. فرمودند:

پس کی نماز می‌خوانی؟ در نماز توجهت به خدا باشد و بس! توجه به معانی مکن!

انصافاً این جمله ایشان حاوی اسرار و دقایقی است و حق مطلب همین طور است که افاده فرموده‌اند.<sup>۱</sup>

و می‌خوانیم:

"ایشان در حدود سال ۱۳۵۰ خوابی می‌بینند و در آن خواب، کسی به ایشان معرفی می‌شود. ایشان از علامه طباطبایی در این مورد سؤال می‌کنند و علامه

---

<sup>۱</sup> حسینی طهرانی - سیدمحمدحسین / به نقل از پایگاه مجازی / <http://motahari.org>

## روش مطهر

می‌فرمایند: فرد مورد نظر، آقای سیدمحمدحسین طهرانی است. از آن زمان بود که شهید مطهری با مرحوم آقای طهرانی مراوداتی داشتند. البته قبل از آن نیز استاد مطهری ایشان را دورادور می‌شناختند. سن آقای طهرانی حدود هشت سال کمتر از شهید مطهری بود. شهید مطهری در مقابل هر کسی خضوع نمی‌کردند، اما در مقابل مرحوم آقای طهرانی خاضع بودند<sup>۱</sup>

## تأثیر خون و خون موثر

"این بزرگوار چون در سطوح گوناگون آثار فراوانی دارد، خون پربرکت ایشان هم برای سطوح گوناگون نافع است. دو مطلب باید مورد عنایت قرار بگیرد؛ یکی مربوط به اصل شهادت و خون شهید است، یکی هم مربوط به شخص ایشان.

اصل جریان خون شهید، این سخن مال ۷، ۸ قرن قبل است که قبل از جناب مولوی، آن عارف بزرگوار - ابن عربی - گفته است، بعد جناب مولوی گفته است: صد هزاران طفل سر بیریده شد تا کلیم الله... این سخن مال ملای روم نیست، قبل از او هم آن بزرگوار دیگر، ابن عربی گفته است، بعدها در طی این هفت قرن رواج پیدا کرد. آن بزرگوار می‌گوید:

---

<sup>۱</sup> مطهری - علی/به نقل از پایگاه مجازی <http://motahari.org>

## روش مطهر

موسای کلیم دفعتا به بار نیآمده! این یذبجون ابناء هم، موسای کلیم را احیاء

کرده است. خدای سبحان براساس عدل محض عالم را اداره می کند. خون هیچ بی گناهی به زمین نمی ریزد. و این که در جریان سیدالشهداء(ع) هست که خون گلوی علی اصغر را به آسمان ریخت، حالا شاید یک سمبلی باشد، ولی براساس الیه یصعدالکلم الطیب بالا رفته است. و گرنه خون چه به زمین بیاید، آسمانی است؛ چه به آسمان برود، آسمانی است. آسمان رفتن نه یعنی بالا رفت و پائین نیآمد! این خون پائین بیانست. بعد از سخن ابن عربی، بعدها مولوی و امثال مولوی این را بازگو کردند که صد هزاران طفل... تا بعدا کم کم کلیم الله زائیده شد. این «اصل خون شهید» است... مطلب دیگر اینکه براساس آن مطلب قبلی که خون شهید در رگهای جامعه القاء می شود، شهید کار خودش را کرده. مثل کسانی که به سازمان انتقال خون، خون دادند. **منتها؛ جامعه ی ما باید بفهمد و عقل را پیدا کند تا بخواند و هماهنگ بشود با گروه خون این شهید.**

یک ملت غیر عاقل با گروه خونش هماهنگ نیست. کسی که اهل استدلال نیست، اهل عقل نیست، عقل گرا نیست، وارسته نیست، پرهیزگار نیست، این با این خون، هم گروه نیست.

این سازمان انتقال خون به همه می فهماند که این خونی که الان اینجا هست، گروه «ب» است، «آ» است، یا فلان است. خون شهید مطهری یک گروه عقل گرائی دین باور دین پژوه دین شناس دین دار می خواهد. آنهایی که قبول کرده اند، می توانند از آن استفاده کنند، و گرنه بهره ای نمی برند... جامعه را بزرگ کردن، خون

## روش مطهر

را معرفی کردن، گروه خون را شناسائی کردن، خون را تزریق کردن، فهم به جامعه دادن، این کار آسانی نیست.<sup>۱</sup>

در همین راستا، کلام رهبر حزب الله لبنان، مجاهد نستوه، سیدحسن نصرالله نیز شنیدنی و قابل تأمل است: "...ما به عنوان یک مسلمان لبنانی، شهید مطهری را از طریق کتابهایش می شناسیم و آنچه نوشته است. بیشتر کتاب های مطهری به عربی ترجمه شده و ما از طریق آثارشان ایشان را شناخته ایم.

بعد از اینکه زبان فارسی را یاد گرفتیم برگشتم کتابهایش را به فارسی خواندم زیرا در لغات اصلی و مبدأ که فارسی بود نوعی روحیه و عطر خاصی در آثار ایشان استشمام می کردم.

مترجم میتواند واژه به واژه معنی و به صورت تحت اللفظی معنای واژه را منتقل کند اما وقتی خودتان کتابی را به زبان مادری بخوانید، مزه و طعم به خصوصی را می توانید از آن احساس کنید.

تحصیل کرده های لبنانی از طریق ترجمه ها با آثار شهید مطهری آشنا شدند اما روی آوری من و بسیاری از برادران به کتاب های مطهری به خاطر آن بود که امام خمینی (ره) تأکید بر خواندن کتاب های مرحوم مطهری داشتند و آن را سفارش می

---

<sup>۱</sup> جوادی آملی - عبدالله /خطاب به ستادبزرگداشت شهیدمطهری فروردین ۸۷/ به نقل از پایگاه



## روش مطهر

کردند... شاید بتوانم بگویم تأثیر گذارترین اشخاصی که در من و جهان تشیع تأثیر گذاشتند، دو محقق بزرگ شهید سید محمد باقر صدر و شهید مطهری بودند.<sup>۱</sup>

## در پایان

مردعلم و عبادت، اینچنین بود، بکوشیم تا اینگونه باشیم که او بود، عابدی عالم و عالمی عابد.

"ابتدا باید خودمان با آثار شهید مطهری انس بگیریم، و در مرحله بعد به هر صورت که ممکن است این آثار و افکار را ترویج کنیم؛ مهم‌ترین وظیفه ما هم این است که مسیر آن شهید را ادامه دهیم؛ زیرا هر چه این آثار ارزشمند باشد، بی‌نهایت نیست و باید با ترویج افکار و آثار این شخصیت بزرگ، علاقمندی به ادامه‌ی راه ایشان را در نوجوانان ایجاد کنیم تا در آینده نیز جایگزینی برای آن بزرگوار داشته باشیم."<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> سید حسن نصرالله / به نقل از پایگاه مجازی [rajanews.com](http://rajanews.com)

<sup>۲</sup> "مصباح یزدی - محمدتقی / در جمع گروهی از مربیان تربیتی سپاه پاسداران .

کتابنامه

---

۱- mesbahyazdi.ir

۲- مقاله ی آفاق فکری برون حوزه ای /برگرفته از پایگاه مجازی hawzah.net

۳- mortezamotahari.com

۴- mestar.miuac.ir

۵- یادواره استاد مطهری / شفیعی دارابی - سیدحسین / انتشارات مهر

۶- پاره ای از خورشید / ناصری - حمیدرضا، ستوده - امیررضا / نشر ذکر

۷- آزادی انسان / مرتضی مطهری / نشر: تهران ، بیش مطهر

۸- lib.eshia.ir

۹- داستان راستان / ج ۱ / مرتضی مطهری / نشر صدرا

۱۰- mobahesat.ir

۱۱- fa.wikishia.net

۱۲- motahari.org

۱۳- rajanews.com

بسمه تعالی

در اولین سالروز از پنجمین دهه ی عروج معلم شهیدمان، استاد مرتضی مطهری (رحمت الله علیه) بر آن شدیم تا به قدر وسع، در ادای دین عظیمی که آن فرزانه ی متألّه، بر گستره ی علم و معرفت و فرائد، ایمان و اعتقاد جامعه ی اسلامی معاصر دارند بکوشیم.

به همین منظور و نیز جهت ارائه ی شناختی بهتر از این راه و روش نورانی به شما شاگردان حال حاضر استاد، بینش پژوهان گرامی، پرسش هایی از جزوه ای که از منظرتان گذشت طراحی شده تقدیم می گردد:

۱- جامعه دارای کدام یک از حرکت های زیر است؟

- الف) حرکت های فکری و فرهنگی  
ب) حرکت های مادی و اجتماعی  
ج) حرکت های مادی و فکری و اعتقادی  
د) حرکت های معنوی و اعتقادی

۲- پیروزی در میدان مرزبانی از حقایق دینی به چه بستگی دارد؟

- الف) برنامه ریزی و نوآوری  
ب) تقابل با جمود و واپس گرایی  
ج) مطالبه ی صرف اجرای احکام اسلام  
د) برنامه ریزی و پرورش افراد

۳- مکتب و مشرب فلسفی شهید مطهری که مبتنی بر آن با مسائل فکری جامعه برخورد

می کردند کدام است؟

الف) فلسفه ی مشاء      ب) حکمت متعالیه ی صدرا

ج) فلسفه ی اشراق      د) حکمت دینانی

۴- ویژگی شاخص شهید مطهری که ایشان را از سایرین متمایز می کرد چه بود؟(با

عنایت به سخنان رهبر معظم انقلاب)

الف) طلایه دار ورود به میدان طرح و رفع مسائل و شبهات فکری

ب) فکر عمیق، علم وافر و قلم بسیار شیوا و رسا

ج) پیشرو بودن در ورود به میدان طرح مسائل اعتقادی جامعه

د) همه ی موارد

۵- شهید مطهری کدام یک از موارد زیر را یکی از بزرگترین بیماری های مبتلا به

جوامع اسلامی می دانند؟

الف) فعالیت علمی با تکیه به ضرورت ها و اولویت ها

ب) نتیجه و سودمندی امور علمی و تالیفات، معیار اهمیت و ارزشمندی

ج) عدم شناخت صحیح و در نظر گرفتن اولویت ها در انجام امور علمی

د) پرهیز از نگاه سرمایه داری و دشوار پسندی در تالیفات فعالیت های علمی

۶- امتیاز خاص شهید مطهری علاوه بر بعد علمی ایشان، چه بود؟

الف) خطابه و بیان قوی

ب) قلم شیوا و رسا

ج) تقوا، عرفان و تزکیه نفس

د) مبارزه با طاغوت

۷- موفق ترین احیاگران چه ویژگی هایی دارند؟

الف) ارائه ی چهره ی سازگاری از دین با پدیده های نو

ب) فعال در مسائل سیاسی و اجتماعی روز

ج) فعال در زمینه های ادبی و هنری

د) مجاهد بودن و انقلابی راستین

"موفق و منصور باشید"